

نگرشهای زبانی ابن سینا

محمد راسخ مهند*
استادیار دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

در این جستار کوشش شده است تا شمایی، هر چند کوچک، از نظرات ابن سینا در باب مسایل زبانی و زبانشناختی ارائه شود. پس از مرور اجمالی سرگذشت او، به کارنامه زبانی وی اشاره شده و دیدگاه های کلی او درباره آواشناسی، بویژه آواشناسی فیزیکی، و نحوه طبقه بندی آواها، فرهنگ نگاری و واژه گزینی، ارتباط زبان و تفکر و در نهایت معنی شناسی ارائه شده است.

کلید واژه ها: زبان شناسی، ابن سینا، آوا شناسی، واژه گزینی .

*همدان - دانشگاه بوعلی سینا ، دانشکده ادبیات ، گروه زبانهای خارجی

۱. مقدمه

بسیاری از مردم با شنیدن نام ابن سینا بیشتر او را به عنوان پزشک یا فیلسوف می‌شناسند تا فردی که در حوزه مطالعات زبانی و زبانشناختی نیز صاحب قلم بوده است. سعی این مختصر شناساندن برخی آرای زبانشناختی اوست و البته تا حد امکان این نظرات را با دیدگاههای نوین زبانشناختی مقایسه خواهیم کرد. در این مقاله پس از مقدمه حاضر، در بخش (۲) به معرفی اجمالی زندگی ابن سینا خواهیم پرداخت. بخش (۳) دربردارنده معرفی نظرات وی درباره زبان است که شامل پژوهش او در زمینه آواشناسی (۳-۱)، تلاش او در زمینه فرهنگ نگاری (۳-۲)، واژه‌گزینی (۳-۳)، نظرات وی در باب رابطه زبان و تفکر (۳-۴) و در نهایت نگرش او به معنی‌شناسی خواهد بود.

۲. زندگی نامه اجمالی ابن سینا

حسین ابن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، ملقب به ابن سینا، ابوعلی سینا، شرف الملک، شیخ الرئیس، و حجت الحق، در صفر سال ۳۷۰ هجری قمری در شهر افشنه، محلی در نزدیکی بخارا به دنیا آمد. پدرش در دستگاه نوح بن منصور سامانی مشغول به کار بود. در ده سالگی قرآن و بسیاری مطالب ادبی را آموخته و موجب شگفتی اطرافیان بود. در ۱۶ سالگی در فقه با دیگران به مناظره می‌نشست. آثار اقلیدس و ارسطو را فرا گرفته و در برخی مسائل از اساتید خود برتر بود. او با درمان نوح بن منصور سامانی اجازه یافت از کتابخانه مخصوص طبیبان استفاده کند. وی را در این زمینه‌ها متبحر دانسته‌اند: فیزیک، شیمی، تاریخ طبیعی، نجوم، ریاضیات، موسیقی، اقتصاد، فلسفه، منطق، روان‌شناسی، تفسیر قرآن پزشکی و زیست‌شناسی.

در بیست و دو سالگی پدرش درگذشت و در دستگاه سامانیان مشغول به کار شد. لذا زندگی سیاسی او با زندگی علمی عجین شد. این زندگی سیاسی برای او هم سودمند بود و هم مایه دردسر. از طرفی با نزدیک شدن به امیران فرصتی برای مطالعه بیشتر به دست آورد و از طرفی به علت نابسامانی اوضاع سیاسی آن زمان، مجبور می شد از شهری به شهر دیگر پناه ببرد. و سرانجام نیز در سفر به همدان دچار بیماری قولنج شد که علاج نیافت و در سن ۵۸ سالگی در رمضان ۴۲۸ هجری قمری درگذشت.

۳. دیدگاههای زبانشناختی ابن سینا

در این بخش سعی می‌کنیم آن بخش از آثار ابن سینا را که به طریقی به بخشی از زبان و زبان شناسی مربوط می‌شود معرفی کنیم.

۳ - ۱ - آوا شناسی

این بخش در کل به رسانه ابن سینا در زمینه آوا شناسی تعلق دارد که (رساله اسباب حدوث الحروف) نام دارد و خانلری (۱۳۳۴) می‌گوید ابن سینا نخستین کسی است که در بحث از کیفیت حدوث و حنجره و چگونگی ارتباط هر یک از اعضای گفتار را به تفضیل بیان کرده و سپس به توصیف یک یک حرفها پرداخته و در این توصیف پیوسته به کیفیت حدوث آواها نظر داشته است و نه به ادراک سمعی حاصل از آنها. کتاب سنت زبان‌شناسی عربی (باهش و دیگران ۱۹۹۰: ۶۹) از نقاط قوت این رساله را تشخیص درست ماهیت ارتعاش صدا و ساخت اصلی فرایندهای شنوایی می‌داند و اذعان می‌دارد که نخستین کتابی است که نقش حنجره و تارهای صوتی را در تولید صداهای زبانی باز می‌شناسد.

این رساله آواها را از نظر آواشناسی فیزیکی و تولیدی طبقه بندی می‌کند و آواشناسی شنیداری را نیز باز می‌شناسد و از شش فصل تشکیل شده است. فصل اول درباره علت پدید آمدن صوت است و

منظور از صوت یا آوا همان اصوات گفتاری است. ابن سینا سبب بوجود آمدن آوا را امواج ناگهانی هوا می‌داند که به علت (کوب) یا (کند) شدید و سریع بوجود می‌آید. چنان که توضیح می‌دهد کوب در نتیجه نزدیک شدن دو جسم به یکدیگر بوجود می‌آید که سبب تندی و نیروی این حرکت آوا تولید می‌شود و کند در نتیجه دور شدن دو جسم از یکدیگر بوجود می‌آید که به سبب تندی حرکت آوا از آن برمی‌خیزد. ولی نتیجه هر دوی آنها یکی است یعنی به وجود آمدن موج در هوا هم اکنون نیز در مطالب آوا شناسی سبب پدید آمدن آوا را لرزش هوا می‌دانند که بر اعصاب شنوایی گوش اثر می‌گذارد. پس ابن سینا قرن‌ها پیش به ماهیت فیزیکی آواها و دریافت شنیداری آنها پی برده بوده است.

در بخش دوم رساله، ابن سینا به طرز تولید اصوات می‌پردازد و می‌گوید موج به سبب گذشتن از گذرگاه دستگاه صوتی انسان، بر حسب محبس‌ها و مخرج‌ها سر راه خود، شکل‌های مختلف می‌پذیرد. از طرفی او حرف هیئت می‌داند که بر صوت عارض می‌شود که شاید منظور او از حرف همان واج امروزی باشد، چون برای اهل زبان ممیز و قابل تمیز است. البته او در جایی دیگر حرف را به جای همخوان و حرکت را به جای واکه به کار می‌برد. او وابستگی و پیوستگی موج را باعث زبری و شکافتگی و پراکندگی آن را موجب بمی صوت می‌داند، که بسیار نزدیک به آرای امروزی است. ابن سینا آواها را به دو بخش مفرد و مرکب تقسیم می‌کند: چنان که مفرد را در نتیجه پدید آمدن حبس تام پوت و رهائش پیاپی و تدریجی هوا می‌داند. این تقسیم بندی بسیار شبیه تقسیم بندی آواها با دو ویژگی پیوست (continuent) و ناپیوسته (non-continuent) چامسکی و هاله (۱۹۶۸) است.

بخش سوم با دقتی کم نظیر، حنجره و زبان، ساخت درونی، کار عضلات و غضروفهای آنها را تشریح می‌کند. در بخش چهارم، تک تک آواهای زبان عربی را توصیف می‌کند. این بخش چگونگی ادا و

فراگویی آواها، مواضع حبس تنفس، مخارج آواها، میزان فشار هوا و مدت و جهت جریان آن و شکل وضع اندامهای گفتار را به دقت مشخص کرده است. در دو بخش آخز نیز شباهت اصوات گفتاری را با اصوات غیر گفتاری و آواهای طبیعی، با ذکر جزئیات و دقت تمام بررسی کرده و چگونگی ایجاد اصواتی را که خاص حروف الفباست، از حروف حلقی تا لبی، بوسیله اشیاء و عوامل خارجی بیان می‌کند.

۲-۳ - فرهنگ نگاری

جوزجانی، شاگرد او می‌گوید که شیخ کتابی در باب لغت عرب به نام لسان العرب تدوین کرده بود بخش اندکی از این کتاب باقی مانده است که رساله‌ای است شامل لغات و اصطلاحات دینی و فلسفی و فرنگ لغت بوده یا خیر، به علت از دست رفتن مابقی آن، مشخص نیست.

۳-۳ - واژه‌گزینی

ابن سینا در برودر با واژه‌ها و اصطلاحات عربی - علمی بی‌سابقه یا کم سابقه در فارسی چند راه را در پیش گرفته است، اصطلاحات عربی را که رایج بوده به کار برده از واژه‌های فارسی کمیلب اجتناب ورزیده و در عوض لغات فارسی رایج زمان خود را به کار برده است. معین می‌گوید برای این کار او از چهار روش استفاده کرده است (معین ۱۳۳۴: ۱۰)

۱ - استفاده از لغات متداولی چون آبی، آتشی، آفت، آهنگ

۲ - استفاده از لغات فاضلان و شاعران، مثل: آخریان، آخشیح، برینش

۳ - لغات علمی و فلسفی مشترک با بیرونی

۴ - لغات و ترکیبات خاص خود او مثل: ایستاده به خود، پیوند پذیره خانه‌گر، معشوق سانی.

معین (۱۳۳۴) دو اثر دانشنامه علایی ابن سینا و التفهیم بیرونی را خونی تاز به رگهای زبان و لغت فارسی می‌داند. چرا که از واژگان رایج و و ازژگان مضبوط گلچینی فراهم کرده‌اند که یا در معنی خود و یا در معنی مجازی به کار رفته است و نیز به ترکیبات و اصطلاحات فارسی رنگ و بوی علمی داده‌اند. بسیاری از لغات این دو کتاب مشترکند مانندک آمیختن، آبناک، چهار سو، خرمن، زیان کار، هموار.

ابن سینا از نظر زبان شناسی برای بیان مفاهیم از سه روش استفاده کرده است:

۱ - گاه برای مفاهیم علمی و فلسفی، معنای واژه‌هایی رایج زمان خود را بسط داده و معنای اصطلاحی آن بدست آورده است، که این فرایند را در زبان شناسی بسط معنایی گویند. مانند: چندی (کمیت)، چونی (کیفیت)، نهاد (وضع) و کنش (فعل).

۲ - گاه نیز با استفاده از فرایند ترکیب و اشتقاق زبان فارسی، واژه‌ها و اصطلاحات جدید به دست داده است. مانند: بخواست (ارادی)، اندریابی (ادراک)، ایستاده به خود (قائم به ذات)، بستنانکی (انجماد)، زود جنب (سریع الحركه)، شاید بود (ممکن)، هراینگی (وجوب).

۳ - بالاخره با ترکیب واژه‌های فارسی و عربی اصطلاحات جدید ساخته است، باطنی (۱۳۷۳) این فرایند را آمیزش قرضی می‌نامند. حد مهین (حداکبر)، حد کھین (حداصغر)، قوت کنایی (قوه فاعله)، قیاس راست (قیاس مستقیم)، قوت داننده (قوه عاقله).

۳-۴ - زبان و تفکر

در این بخش به دیدگاه ابن سینا در رابطه با زبان و تفکر از زاویه منطق می‌پردازیم. ابن سینا منطق را علمی می‌داند که طریق صحیح را می‌آموزد و آن را آلتی می‌داند که نمی‌گذارد ذهن را دچار خطا شود.

لذا باور دارد تبحر در منطق لازمه ورود به هر علمی است. ابن سینا در فصل اول کتاب "عبارت" به چهار وجه برای مفاهیم معتقد است: تصورات، الفاظ (گفتاری)، صورتهای مکتوب (نوشتاری) و نیز اشیاء خارجی. البته اشیاء خارجی به علم منطق مربوط نمی‌شود ولی یک وجود خارجی دارند. البته اشیاء خارجی به علم منطق مربوط نمی‌شود ولی یک وجود خارجی دارند و البته وجودی ذهنی، که وجود ذهنی آنها مربوط به منطق است و او گفتار را بعد سوم می‌داند که برای ایجاد ارتباط لازم است و بعد چهارم (نوشتار) به واسطه نیاز و تداوم افکار وجود می‌آید. رابطه بعد سوم (گفتار) و بعد دوم (تفکر) موضوع اصلی بسیاری از نوشته‌های منطقیون قرون وسطا بوده است چنانکه آنان معتقد بوده‌اند با گفته‌ها تا جایی که تفکر را نشان دهد سروکار دارند. به زعم ابن سینا، زبان شاید به هیچ وجه موضوع کار منطق زبان دانان نباشد. به باور وی منطقیون با الفاظ صرفاً بطور تصادفی و تا جایی که این گفته‌ها خود مفاهیم را نشان دهند به عنوان موضوع کار منطق با آنها سروکار دارد. برای الفاظ فقط آلات هستند و منطقیون برای ایجاد ارتباط به زبانهای طبیعی نیازمندند. ابن سینا در اشارات (ص ۱۸۱) می‌گوید زبانها دارای یک جنبه مطلق (همگانی) هستند که به هیچ زبان خاصی محدود نمی‌شود. همین جنبه مطلق یا همگانی زبان است که منطقیون باید با آن سروکار داشته باشند، و این همان مسئله‌ای است که همگانی گراها در زبان شناسی به آن معتقدند و به دنبال آن می‌گردند و دستوریان زایشی آن را دستور همگانی می‌نامند (چامسکی ۱۹۸۶: ۱۹). شاید منظور ابن سینا هم همان حالت اولیه (initial state) چامسکی باشد.

به عقیده باقری (۱۳۷۳) عقیده فلاسفه و متکلمان اسلامی و از جمله ابن سینا در مورد جنبه‌های دو گانه زبان یادآور جنبه‌های دوگانه زبان در نظریه فردنیان دو سو سور (زبان و گفتار) و فرضیه چامسکی (توانش و کنش) است.

۳- ۵ - منطق و معنا شناسی

از دید ابن سینا الفاظ یا می‌تواند بر مفهوم کلی (مرد، حیوان) دلالت کنند و یا بر مفهوم جزئی (شخص خاص). او عبارت کلی را به مقولات زیر تقسیم می‌کند:

۱ - جنس: جنس آن کل ذاتی است که در جواب "ماهو" بر افراد مختلف حمل می‌شود.

مانند حیوان که بر انسان و اسب و ماهی قابل حمل است.

۲ - فصل: فصل کلی است که در جواب (ذاتاً کدام است) می‌آید و بنابراین موجب امتیاز یک نوع از

انواع مشترک می‌شود. مثل ناطق که فصل انسان است.

۳ - نوع: نوع کلی است که در جواب "ماهو" در افراد متق الحقیقه حمل می‌شود. مانند انسان که بر

حسن و حسین و ... قابل حمل است.

۴ - خاصه: کلی عرض است که اختصاص بر افراد یک کل دارد و مثل مهندس که به آدمی اطلاق

می‌شود.

۵- عرض عام: آن کلی است که اختصاص به افراد یک کل نداشته باشد. مثل سفید نسبت به انسان.

ابن سینا عقیده دارد الفاظ به سه طریق بر مفاهیم دلالت می‌کنند:

۱ - مطابقه: زمانی است که لفظی مستقیماً بر مفهومی که برای آن ساخته شده دلالت کند. مثل مثلث

که دلالت بر شکل سه ضلعی دارد.

۲- **تضمن:** وقتی مفهومی در معنای لفظی گنجانده شده باشد. مثلاً اگر دیوار خانه‌ای خراب شود و

صاحب خانه بگوید "خانه‌ایم خراب شد" که در اینجا خانه متضمن دیوار می‌شود.

۳- **التزام:** وقتی معنا صرفاً از لفظی مستفاد می‌شود، نه با آن مطابقت داد و نه جزیی از معنای آن است

مانند رابطه بین واژه تسقف و مفهوم "دیوار".

ابن سینا پس از کار با الفاظ منفرد، می‌کوشد تا بگوید چطور این الفاظ با هم ترکیب می‌شوند تا جمله‌ها

را تولید کند. همچون تمام منطق دانان، ویژگیهای نحوی جملات مورد نظر او نیست بلکه مورد نظر او

قضایا هستند که این جملات نمایانگر آنها هستند.

کتابنامه

ابن سینا، حسین، اشارات و التبیانات. به کوشش سلیمان دنیا. قاهره ۱۹۵۸.

ابن سینا، حسین، دانشنامه علایی، به کوشش محمد معین، تهران ۱۳۳۱.

ابن سینا، حسین، مخارج الحروف / اسباب حدوث الحروف. ترجمه و تصحیح پرویز ناتل خانلری.

تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۲۲.

باطنی، محمد رضا. زبان و تفکر. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.

باقری، مه‌ری "مقایسه اجمالی دو ویژگی نظری آرای چامسکی با دیدگاه متقدمین ایرانی". مجموعه

مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی به کوشش سید علی میر عمادی. تهران:

انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳ صص ۱۷-۲۷.

خانلری، پرویز "رساله اسباب حدوث الحروف" جشن نامه ابن سینا . ویراسته ذبیح اله صفا . تهران :

انجمن آثار ملی ۱۳۳۴، صص ۴۸۱-۴۹۷.

خوانساری ، محمد. دوره مختصر منطق صوری . تهران : انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۳.

معین، محمد "لغات فارسی ابن سینا و تاثیر ان در ادبیات" جشن نامه ابن سینا . ویراسته ذبیح اله صفا

تهران : انجمن آثار ملی ۱۳۳۴، صص ۳۳۹-۳۴۲.